روزنامه
سیستان و بلوچستان
چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۶ .۱۳ محرم ۱۴۳۹ . شماره ۹۴۹

www.khorasannews.com
e-mail:info@khorasannews.com

روزنامه سیستان و بلوچستان:رتبه هشتم نشریات استانی
سرپرستی زاهدان: خیابان مولوی-نبش مولوی۲۱
تلفن آگهی واشتراک: ۳۳۲۱۷۸۶۶ ۰۵۴
تلفن مسئول تحریریه: ۳۳۲۱۷۸۶۹ ۰۵۴
نمابر تحریریه: ۳۳۲۱۷۸۶۴ ۰۵۴
تلفن های تحریریه: ۳-۳۳۲۱۷۸۶۲ ۰۵۴
تلفن ونمابر سرپرست دفتر: ۳۳۲۱۷۸۶۵ ۰۵۴
چاپخانه: شهرچاپ خراسان

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: علی ولی زاده
دفتر مرکزی: مشهد، بلوارسازمان آب
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰ - ۰۵۱
نمابر شهرستان ها: ۳۷۶۷۴۳۳۴ ۰۵۱
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

گفت و گو با نوجوانی که آرزوهایش را میان زباله ها گم کرده است

غرق در دود شیشه و گل

شهرکی- عقربه های ساعت یک بعد از ظهر را نشان می دهد، آفتاب تن هر عابر پیاده ای را می رنجاند و بسیاری برای استراحت کردن در حال رفتن به خانه هستند اما انگار کار زباله گردها تازه شروع شده است. دو پسر نوجوان کیسه پر از پلاستیک و بطری های خالی نوشابه را روی دوش خود گذاشته اند و کنار سطل بزرگ زباله ایستاده اند. تا دستاورد بیشتری از میان زباله ها داشته باشند. سرشان را تا کمر در سطل زباله خم می کنند و می خواهند تا پلاستیک و بطری های بیشتری بیابند و توشه کیسه همراه خود را بیشتر کنند. هر چند دقیقه نیم نگاهی به اطراف خیابان می اندازند و دوباره مشغول به کار می شوند. یکی از آن دو پلاستیک حاوی زباله را در کنار سطل آشغال و روی آسفالت خیابان خالی می کند و با خوشحالی آن را در کیسه همراهش جای می دهد. دیگری چند لحظه بعد بطری نوشابه ای می یابد. که اندکی نوشابه داخل آن است سرش را باز می کند و باقی مانده نوشابه درون بطری را می نوشد! از تغییر چهره اش می توان متوجه شد از نوشابه ای که خورده، خوشش نیامده است. بطری را در کیسه اش می اندازد دو دوباره تا کمر در سطل زباله خم می شود. در همان حال و هوا هستند که به سمتشان می روم و به آن ها سلام می کنم. یکی از آن ها سرش را از سطل خارج می کند، ترس در چهره اش مشخص است تردید دارد که جواب سلامم را بدهد یا نه. دوستش به سرعت از ما فاصله می گیرد و علاقه ندارد با ما صحبت کند. به او که مرد است اطمینان می دهم تنها چند سوال کوتاه می پرسم، اگر خواست به آن ها جواب دهد و بعد از پاسخ به سوال ها نزد دوستش برود. پسر نوجوان با شک و تردید به نشانه رضایت سرش را تکان می دهد. نامش را از او می پرسم که می گوید: اسمم محمود است و ۱۵ سال دارم. دستی بر موهای پریشان خود می کشد تا آن ها را اندکی مرتب کند، اما تاثیری ندارد. کیسه های پلاستیکی را بر دوش خود می گذارد تا حرکت کند. در همان حال پا به پای او راه می روم و به سوال هایم ادامه می دهم. از خانواده اش می پرسم و او خود را این گونه معرفی می کند: پدر و مادرم زنده هستند اما مدت هاست که خبری از آن ها ندارم. دو خواهر و سه برادر دارم و در خانه پدرم زندگی می کردم.

به شیشه نه نگفتم

کوچکتر که بودم به همراه دوستانم با مواد مخدر آشنا شدم. آن روزها مدرسه می رفتم و دلم می خواست موفق شوم، اما احساس کرده بودم که نمی توانم به خوبی درس بخوانم تا این که یکی از همکلاسی هایم به من پیشنهاد کرد برای بهتر درس خواندن، مواد مخدر استفاده کنم! به گفته او با مصرف مواد هم قوی تر و سرحال تر می شدم و هم می توانستم بهتر درس بخوانم. من هم در دورهمی های دوستانه به آن ها پیوستم و مواد مخدر مصرف کردم. اوایل تریاک می کشیدیم و احساس می کردم می توانم از این طریق موفق شوم و ساعات بیشتری درس بخوانم اما کم کم نیازم به تریاک بیشتر شد، این در حالی بود که در خانه امکان استعمال آن وجود نداشت. وقتی این موضوع را با دوستانم مطرح کردم یکی از آن ها که اندکی از ما بزرگ تر بود و در آن جمع به تازگی وارد شده بود پیشنهاد داد شیشه بکشم، من هم که دیگر به مواد مخدر وابسته شده بودم به شیشه، نه نگفتم. شیشه می کشیدم و هر روز هم به آن وابسته تر می شدم.

گل هم می زنم

گل هم می زنم؛ این را می گوید و پس از خنده، ادامه می دهد: البته نه از آن گل های فوتبالی. برای من که شیشه و تریاک می کشم گل زدن هم عادی است. الان دیگر تریاک کمتر می کشم زیرا دوای دردم نیست، شیشه می کشم و گل می زنم. وقتی به شیشه و گل اعتیاد پیدا کردم دیگر نمی توانستم وابستگی ام را پنهان کنم. هر روز استرس تامین مواد را داشتم و می ترسیدم خانواده ام به موضوع پی ببرند تا این که برادر بزرگترم در میان وسایل مدرسه ام آن ها را یافت. هنگامی که خانواده ام از اعتیادم مطلع شدند من را برای ترک مواد مخدر تحت فشار قرار دادند، اما دیگر انگیزه ای برای ترک مواد نداشتم. می خواستم مواد مصرف کنم و در همان حالت نشئگی ناشی از مصرف بمانم. یک بار به مرکز ترک اعتیاد رفتم ولی پس از بازگشت دوباره مواد مصرف کردم. مدرسه را هم رها کرده بودم و دوست نداشتم درس بخوانم، من که روزی برای بهتر درس خواندن موادمخدر می کشیدم حالا برای همان مواد، درس خواندن را رها کردم.

طرد از خانه

تلاش های پدر، مادر و برادرهایم برای ترک اعتیادم فایده ای نداشت تا این که یک بار پدرم از فرط عصبانیت من را نفرین و از خانه طرد کرد. من هم دیگر نمی خواستم بیشتر از این موجب آزار و اذیت آن ها شوم، از خانه رفتم و دیگر بازنگشتم. مدت هاست که خانواده ام را نمی بینم. دوستانم پس از آن که متوجه شدند از خانه طرد شدم رهایم کردند و من ماندم و اعتیاد و خرج عمل آن. نمی دانستم چگونه هزینه موادمخدر را تامین کنم تا این که به زباله گردی روی آوردم. الان به دلیل اعتیاد این کار را انجام می دهم تا از فروش پلاستیک ها و بطری ها پولی عایدم شود و بتوانم مواد بخرم. «محمود» در حالی که تلاش می کرد سنگی را از کف دمپایی کهنه اش خارج کند می گوید: دلم برای پدر و مادرم تنگ شده است اما نمی خواهم با این وضع نزد آن ها بروم بهتر است گمان کنند مرده ام تا کمتر اذیت شوند. دست و پایش سیاه است و روی لباس تیره رنگش هم آثاری از تمیزی به چشم نمی خورد. گویی مدت هاست به حمام نرفته است و تمایلی هم برای رسیدگی به خود ندارد.

آرزویی ندارم

در حالی که به گذشته خود می اندیشد و خاطراتش را مرور می کند در جواب من که چه آرزویی دارد؟ می گوید: هیچ آرزویی ندارم. روزگاری آرزوهای زیادی داشتم و می خواستم در آینده فرد موفقی شوم، اما اکنون هیچ آرزویی ندارم. هر روز تلاشم این است که در میان زباله ها پلاستیک بیشتری بیابم تا بتوانم مواد مخدر مورد نیازم را بخرم، شاید شب را با درد کمتری به صبح برسانم. این را می گوید، کیسه زباله ها را روی دوشش جابه جا می کند و ادامه می دهد: باید بروم بطری بیشتری پیدا کنم چون امروز روز خوبی نبود و هنوز چیزی برای خوردن پیدا نکردم و پولی هم ندارم...!

سایه روشن

قهری که زندگی ام را نابود کرد

گروه حوادث- روزی که با پسر عمویم سر سفره عقد نشستم، تصور هم نمی کردم روزی رفتارهای او سبب قهر من و در نتیجه جدایی همیشگی مان شود. ۲۳ ساله بودم که زمزمه هایی مبنی بر این که عقد پسرعمو و دخترعمو را در آسمان بسته اند به گوشم رسید. دانشجو بودم و هزار آرزو برای آینده ام داشتم، اما خیلی زود موضوع ازدواج من و سروش نقل مجالس فامیل شد. می دانستم سروش جوانی با وقار و متین است و من هم دوستش داشتم، به همین دلیل بعد از خواستگاری خانواده عمویم هیچ مخالفتی برای ازدواج با او نداشتم اما تنها مخالف این وصلت زن عمویم بود، چون می خواست سروش با خواهرزاده اش ازدواج کند. با وجود سنگ اندازی های زن عمویم برای سرنگرفتن این ازدواج سرانجام با همراهی پدرها این پیوند شکل گرفت. زندگی من و سروش زیر یک سقف شروع شد. من دختری خودسر و مغرور بودم، در مقابل، همسرم دوست داشت برای کوچکترین کاری که انجام می دهم از او اجازه بگیرم، از بیرون رفتن و خرید کردن گرفته تا چگونگی نظافت خانه. پذیرش رفتار او برایم کمی سخت شده بود و امر و نهی های شوهرانه سروش خیلی زود جای خود را به جای توجه به زندگی زناشویی به سخت گیری های بی منطق داد. زندگی ام را دوست داشتم و سعی می کردم با این وضعیت کنار بیایم که کمتر دعوا میان ما رخ دهد، اما او هر روز خواسته هایش بچه گانه تر و غیرمنطقی تر می شد تا این که بعد از گذشت یک سال از زندگی مان یک روز که دانشگاه بودم و شارژ باتری گوشی ام تمام شده بود، بعد از برگشتم به خانه من را به باد کتک گرفت. این رفتارش برایم غیر قابل تحمل بود و من که اصلا انتظار چنین برخورد بدی را از او نداشتم به حالت قهر از خانه خارج شدم و به منزل پدرم رفتم، اما فکر نمی کردم با این قهر زندگی ام از بین برود. پس از رفتن من به خانه پدرم خبر به گوش خانواده همسرم هم رسید و زن عمویم که حالا این قهر برایش یک برگ برنده محسوب می شد این موقعیت را فرصتی برای جدایی همیشگی من و سروش دانست. دو هفته از رفتنم می گذشت و مادر شوهرم بدون این که همسرم را متقاعد کند تا من را به خانه برگرداند او را به طلاق دادن من و ازدواج با دخترخاله اش تشویق کرد. من نه تنها قربانی یک قهر احمقانه شدم بلکه زندگی زناشویی ام از هم پاشید و ناامیدی عجیبی سراسر وجودم را فراگرفت و نمی دانم حالا چه طور به کسانی که عشق من و سروش را تحسین می کردند دلیل این جدایی را توضیح دهم! با این جدایی رابطه میان پدر و عمویم هم شکرآب شد و کدورت زیادی میان آن ها به وجود آمد. ای کاش مادر سروش به جای تلاش برای نابودی زندگی ما پسرش را تشویق به آشتی می کرد یا من در مقابل رفتار همسرم اندکی صبر می کردم. اکنون سروش زندگی با دخترخاله اش را آغاز کرده است و من در ناامیدی ناشی از طلاق غرق شده ام و هر روز یاس و ناامیدی در وجودم ریشه می کند.

هشدار

سرقت منزل

-زمانی که خانه را ترک می کنید، از بسته بودن همه راه های ورودی اعم از درها و پنجره ها اطمینان حاصل کنید.

-اگر تمایل دارید که پنجره ها را باز بگذارید، حتماً برای آن ها حفاظ در نظر بگیرید.

-بر روی دیوار حیاط منزل خود حفاظ مقاوم نصب کنید. حفاظ را طوری تعبیه کنید که اگر تیر چراغ برق، علمک گاز، درخت یا ماشینی در کنار آن قرار داشت، سارقان نتوانند برای ورود به ساختمان از آن ها استفاده کنند.

-هنگام رفتن به مسافرت، از بسته بودن تمام درها از جمله در تراس، پاسیو و پشت بام مطمئن شوید.

-از قرار دادن نردبان و چهارپایه در داخل حیاط به ویژه کنار دیوارها، خودداری کنید.

-فضای خالی زبانه در را با استفاده از تکه ای چوب یا مقوای فشرده شده پر کنید تا با وسایلی مثل کارت تلفن غیرممکن شود.

-اگر توپی قفل در ورودی پارکینگ، به صورت برجسته است، حلقه ای آهنی به دور آن جوش دهید.

-برای درهای دولنگه قفل اضافی تعبیه کنید.

-قبل از ترک منزل برای مدت طولانی، اموال با ارزش خود را به فرد مورد اطمینان یا صندوق امانات بانک بسپارید.

-محل نگهداری پول نقد، جواهرات و اشیای با ارزش خود را نزد همسایه ها یا افرادی که مورد اعتمادتان نیستند افشا نکنید.

-جواهرات و اشیای با ارزش خود را به صورت یک جا نگهداری نکنید.

-هیچ گاه اشیای قیمتی خود را در کنار در و پنجره مشرف به کوچه و خیابان قرار ندهید.

-از ورود افرادی که به عنوان مامور پلیس، دارایی، شهرداری، کارگر خدماتی، مامور آب، برق، گاز، تلفن و... مراجعه می کنند پیش از شناسایی کامل ممانعت کنید.

-از ورود افراد ناشناس تحت عناوین سمسار، خریدار ضایعات، فال گیر، متکدی و... به داخل ساختمان ممانعت شود.

- خانم ها و کودکان را از باز کردن در به تنهایی بر حذر دارید.

-توجه افراد را هنگام رفتن به مسافرت جلب نکنید.

- ساعت و تاریخ حرکت خود را از اشخاص نامطمئن مخفی کنید.

-وسایل را طوری داخل خودرو قرار دهید که توجه افراد را جلب نکند. این کار را می توانید در داخل پارکینگ انجام دهید.

-از کلید منزل خود به خوبی مراقبت کنید. سارقان در موارد بسیاری با استفاده از کلید وارد خانه های افراد می شوند.

-هیچ گاه کلید خود را بر روی در ورودی جا نگذارید.

-در صورت نقل مکان به منزل جدید یا مفقود شدن کلید، سریعاً نسبت به تعویض توپی قفل در اقدام کنید.

-از مخفی کردن کلید در بیرون منزل خودداری کنید.

-از واگذاری کلید به بنگاه های معاملات ملکی، کارگران و تعمیرکاران خودداری کنید.

-اگر می خواهید به مسافرت بروید یا مجبورید چند روزی خانه را خالی بگذارید وسایل برقی منزل خود از جمله سیستم های روشنایی و نیز وسایل صوتی و تصویری را به سیستم های دارای زمان بندی مجهز کنید. این سیستم ها با توجه به زمانی که بر روی آن ها تنظیم می کنید در طول شبانه روز وسایل برقی شما را به صورت اتوماتیک روشن و خاموش می کند.

-از بستن پرده ها پرهیز کنید زیرا این کار در طول ساعات روز غیر طبیعی به نظر می رسد و نشانه این است که شما در منزل نیستید.

-بهتر است خط تلفن منزل خود را به شماره تلفن همراهتان انتقال دهید تا در صورت تماس دیگران با خط ثابت منزل بتوانید پاسخ داده و هر گونه ظنی را نسبت به عدم حضورتان خنثی کنید.

-همسایه های امین می توانند زمانی که در خانه نیستید مراقب اوضاع باشند. با این حال مراقب باشید افراد ناشناس و غیر مطمئن را از برنامه سفر خود مطلع نکنید.

-دوربین های حفاظتی در هر قسمتی از منزل قابل نصب است. می توانید آن ها به رایانه شخصی خود وصل کرده و حتی زمانی که در منزل نیستید، فضای داخلی و محوطه بیرونی را کنترل کنید.

-اگر وارد خانه شده و متوجه سرقت شدید، بدون این که به چیزی دست بزنید، فوراً خارج شده و با پلیس تماس بگیرید.

منبع: پایگاه خبری پلیس

اخبار

جریمه ۴۷۴ میلیون ریالی برای متخلف حمل سوخت

گروه حوادث- متخلف حمل سوخت قاچاق در زاهدان ۴۷۴ میلیون و ۹۱۶ هزار ریال جریمه شد. رئیس شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی زاهدان به خبرنگار ما گفت: مأموران انتظامی مستقر در پاسگاه قطار خنجک از یک دستگاه تانکر ۲۶ هزار لیتر گازوییل فاقد مجوزهای قانونی را کشف کردند.

«حسن حاجی نژاد» بیان کرد: با توقیف خودرو و تحویل سوخت های کشف شده به شرکت پخش فرآورده های نفتی منطقه زاهدان، متهمان به همراه پرونده برای سیر مراحل قانونی به تعزیرات حکومتی زاهدان معرفی شدند. وی در ادامه افزود: با شروع رسیدگی به پرونده در شعبه، متهم احضار و تفهیم اتهام انجام شد و شعبه براساس اظهارات متهم، نحوه کشف و صورت جلسه ضابطان، تخلف را وارد دانست و متخلف را علاوه بر ضبط سوخت های مکشوفه به پرداخت ۴۷۴ میلیون و ۹۱۶ هزار ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم کرد.

قاچاقچی سیگار ۳۰۰ میلیون ریال جریمه شد

قاچاقچی سیگار در ایرانشهر شناسایی و به ۳۰۰ میلیون ریال جریمه محکوم شد.

رئیس اداره تعزیرات حکومتی ایرانشهر به خبرنگار ما گفت: مأموران پلیس آگاهی هنگام گشت زنی در جاده چابهار به ایرانشهر یک دستگاه پژو ۴۰۵ واژگون شده ر مشاهده کردند که راننده خودرو متواری شده بود.

«مهدی کیخا» افزود: با بررسی انجام شده از درون خودرو ۱۷۷ هزار و ۴۰۰ نخ سیگار به ارزش ۲۵۷ میلیون و ۲۳۰ هزار ریال مشکوک به قاچاق کشف و خودرو به همراه کالاها توقیف شد. در ادامه صاحب خودرو شناسایی و احضار شد که در اظهارهای خود به انجام تخلف اقرار کرد. وی اضافه کرد: شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز به دلیل ارائه نکردن مدارک قانونی و همچنین اظهارات متهم، تخلف را وارد دانست و متخلف را علاوه بر ضبط سیگارهای قاچاق به پرداخت ۲۷۰ میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم کرد. وی خاطرنشان کرد: طبق قانون، با رأی شعبه رسیدگی کننده ۳۰ میلیون ریال معادل ارزش ریالی خودرو نیز به جریمه افزوده شد.

کشف ۷ میلیارد ریال اموال مسروقه در چابهار

دو باند سارقان منزل و مالخران در چابهار متلاشي و هفت میلیارد ریال اموال مسروقه از آنان کشف شد. فرمانده انتظامی استان گفت: در پي وقوع چندین فقره سرقت منزل و اماکن خصوصی در چابهار، تحقیقات پلیسی برای بررسی موضوع و دستگیری سارقان آغاز شد. سردار «محمد قنبری» اضافه کرد: کارآگاهان اعضای باند پنج نفره سارقان را شناسایی و در یک عملیات ضربتی و غافلگیرانه در مخفیگاه شان دستگیر کردند که متهمان در تحقیقات اولیه پلیسی به ۲۵ فقره سرقت منزل و اماکن خصوصی و فروش اموال مسروقه به یک باند سه نفره مالخر اعتراف کردند. به گزارش پایگاه خبری پلیس، وی با اشاره به شناسایی و دستگیری باند سه نفره مالخران افزود: در بازرسی از مخفیگاه متهمان هفت میلیارد ریال اموال مسروقه شامل وسایل منزل کشف و به مال باختگان تحویل داده شد. وی گفت: متهمان پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی تحویل مقام قضایی شدند.

سارقان مسلح در سیب و سوران دستگیر شدند

دو سارق مسلح در سیب و سوران دستگیر و اموال مسروقه از این سارقان کشف شد.

فرمانده انتظامی سیب و سوران گفت: در پی وقوع چند فقره سرقت ترانس برق در سیب و سوران، بررسی موضوع در دستور قرار گرفت. سرهنگ «حیدر حق جویان» افزود: کارگاهان پلیس با گشت زنی ها در نقاط جرم خیز و بررسی پرونده سارقان و اسناد و مدارک باقی مانده در محل وقوع سرقت، موفق به دستگیری دو نفر سارق مسلح و کشف اموال مسروقه شدند. وی تصریح کرد: متهمان در تحقیقات اولیه پلیس به هفت فقره سرقت مسلحانه اعتراف کردند و پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی تحویل مقام قضایی شدند.

طی ۶ ماه اتفاق افتاد
۵۳ قربانی خوراک جاده های استان

۵۳ نفر طی نیمه اول امسال در تصادفات جاده ای استان جان باختند. رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان به خبرنگار ما گفت: در این مدت ۵۳ نفر در تصادفات جاده ای و هشت نفر در تصادفات شهری فوت کردند. دکتر «فریبرز راشدی» گفت: در این مدت چهار هزار و ۱۵۸ تصادف شهری و جاده ای در استان گزارش شد که تصادفات شهری با دو هزار و ۹۷۱ مورد، بالاترین آمار تصادفات را داشت. وی بیان کرد: در این تصادفات سه هزار و ۱۶۴ نفر مجروح از تصادفات شهری و هزار و ۹۵۳ مجروح از تصادفات جاده ای به بیمارستان ها و مراکز درمانی بین راهی منتقل شدند. وی گفت: ۲۷۵ مجروح از تصادفات شهری و ۱۰۶ مورد از تصادفات جاده ای به صورت سرپایی درمان شدند که همه فوتی ها یعنی ۶۱ مصدوم، قبل از رسیدن آمبولانس جان خود را از دست دادند. در این مدت ۱۳۱ مأموریت شهری و جاده ای نیز لغو شد.

امروز	اوقات شرعی به افق زاهدان	فردا
۰۴:۰۴	اذان صبح	۰۴:۰۴
۰۵:۲۱	طلوع آفتاب	۰۵:۲۲
۱۱:۱۵	اذان ظهر	۱۱:۱۴
۱۷:۰۸	غروب آفتاب	۱۷:۰۷
۱۷:۲۵	اذان مغرب	۱۷:۲۴

امروز	زاهدان	فردا
۳۴ / ۱۴	۳۴ / ۱۴	۳۵ / ۱۴